

ماهنامه CyclicalWaves

تنش‌های روبه‌افزایش بین آمریکا و ایران

در این شماره می‌خوانیم:

- چشم‌انداز اقتصادی
- مسیر قیمت طلا
- پایان فدرال رزرو
- بازار مسکن

فهرست

پیش گفتار

۱۰ مسیر دلار آمریکا
۱۵ واکنش به اظهارات ترامپ



۱۸ فلپت جفرسون کیست
۲۰ معافیت بریتانیا
۲۲ جنگ تجاری

۲۶ پایان فدرال رزرو
۳۰ WTID



۴۳ NIKE W
۴۶ DAX

۲ تنش بین ایران و آمریکا
۴ بدهی ملی آمریکا



تحلیل مواضع فدرال رزرو

۸ چشم انداز اقتصادی
۹ بازار مسکن



صاحب امتیاز: cyclicalwaves
گرافیکست: سعیده عباسی

هیات تحریریه:
علی شریف آزاده
(مدرس بازارهای مالی)
امین طاهر زاده
(مدرس بازارهای مالی)

محمد جواد آقازاده
(تحلیل گر و معامله گر فارکس)
محمد آقاپور
(تحلیل گر و معامله گر فارکس)



نشانی: کرج، عظیمیه، بلوار افاقیا، جنب میدان
بعث، ساختمان آرنیا، طبقه ۵ واحد ۱۶
نشانی اینترنتی: www.cycfx.com
پست الکترونیک: Info@cycfx.com
واتساپ و تلگرام: ۰۹۹۲۸۰۰۶۰۰۲

ماهنامه فارکس Cyclicalwaves

در دنیای مالی و اقتصادی امروز، تحلیل و پیش‌بینی روندهای بازار به یکی از چالش‌های اساسی برای سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران تبدیل شده است. بازارهای مالی به‌ویژه بازار فارکس، با نوسانات شدید و غیرقابل پیش‌بینی خود، نیازمند رویکردهای تحلیلی عمیق و دقیق هستند. در این راستا، ماهنامه فارکسی Cyclicalwaves به‌عنوان یک منبع معتبر و تخصصی، تلاش دارد تا با ارائه تحلیل‌های جامع و مبتنی بر داده‌های واقعی، به خوانندگان خود در درک بهتر و تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تر کمک کند.

Cyclicalwaves به بررسی الگوهای چرخه‌ای در بازار فارکس می‌پردازد. این الگوها نه تنها به شناسایی روندهای گذشته کمک می‌کنند، بلکه می‌توانند به پیش‌بینی حرکات آینده نیز بپردازند. در این ماهنامه، ما به بررسی اصول تحلیل تکنیکال و بنیادی، روانشناسی بازار، و تأثیرات اقتصادی بر نوسانات ارزها خواهیم پرداخت. هدف ما این است که با ارائه مطالب علمی و عملی، درک عمیق‌تری از بازار فارکس برای خوانندگان فراهم کنیم.



تنش های بین آمریکا و ایران

از ژانویه ۲۰۲۵، فضای سیاسی پیرامون روابط آمریکا و ایران شاهد تشدید تنش‌ها بوده است که عمدتاً ناشی از نوع نگاه و رویکرد تیم جدید ترامپ نسبت به برنامه هسته‌ای ایران، تحولات نظامی و پیچیدگی‌های داینامیک‌های منطقه‌ای است. این تحولات نه تنها دو کشور را در مسیر برخورد احتمالی قرار داده بلکه سوالاتی را درباره آینده امنیت خاورمیانه، بازارهای نفتی جهانی و ساختار ژئوپولیتیکی گسترده‌تر به وجود آورده است.

در تازه ترین این تحولات، در تاریخ ۴ فوریه ۲۰۲۵، رئیس‌جمهور دونالد ترامپ در سخنانی به ایران اشاره کرد و تمایل خود را برای مذاکره به منظور جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای ابراز کرد. او گفت: «دوست دارم بتوانم توافق بزرگی انجام دهم. توافقی که شما بتوانید زندگی‌تان را ادامه دهید» اما همزمان یک یادداشت ریاست‌جمهوری امضا کرد که به موجب آن تحریم‌های شدیدتری علیه ایران اعمال شد، از جمله تلاش برای کاهش صادرات نفت ایران به صفر، که بخشی از کمپین "فشار حداکثری" او است. علاوه بر این، ترامپ دستوری صادر کرد که در آن تأکید کرد که اگر حکومت ایران او را ترور کند، دستور «محو» ایران را صادر کرده است. این تهدید پس از شکست یک طرح ترور علیه رئیس‌جمهور صادر شد.

این اقدامات نشان‌دهنده رویکرد پیچیده و چندجانبه‌ای است که ایالات متحده در قبال ایران اتخاذ کرده است، ترکیبی از پیشنهادات دیپلماتیک همراه با فشارهای اقتصادی و نظامی قابل توجه. در این مقاله، به بررسی عوامل اصلی این تشدید تنش‌ها و پیامدهای آن‌ها در عرصه ژئوپلیتیکی می‌پردازیم.

در این مقاله، به بررسی عوامل اصلی این تشدید تنش‌ها و پیامدهای آن‌ها در عرصه ژئوپلیتیکی می‌پردازیم.

برنامه هسته‌ای ایران: نگرانی‌های رو به افزایش

در کانون تنش‌های آمریکا و ایران، برنامه هسته‌ای ایران قرار دارد که در سال‌های اخیر به طور قابل توجهی پیشرفت کرده است. در حالی که ایران تأکید دارد که فعالیت‌های هسته‌ای‌اش صلح‌آمیز است، غرب، به‌ویژه ایالات متحده و اسرائیل، همواره با شک و تردید به این برنامه‌ها نگاه کرده‌اند. در ژانویه ۲۰۲۵، وزیر امور خارجه ایران، عباس عراقچی، هشدار داد که هرگونه حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران به عواقب فاجعه‌بار برای منطقه خواهد انجامید و چنین اقدامی را «یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات» ایالات متحده دانست. این هشدار قاطع در حالی مطرح شد که تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد ایران به طور مستمر به توسعه قابلیت‌های هسته‌ای خود ادامه می‌دهد، از جمله تولید موشک‌هایی دوربرد با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای که قادر به دستیابی به اهدافی در فاصله بیش از ۳۰۰۰ کیلومتر هستند. این نقطه عطفی در منازعه هسته‌ای است که ایران را به‌طور فزاینده‌ای به سوی دستیابی به توانایی سلاح هسته‌ای نزدیک‌تر می‌کند.

آمریکا همواره بر این تأکید کرده است که ایران نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد و در واشنگتن حمایت فزاینده‌ای برای استراتژی «فشار حداکثری» وجود دارد که هدف آن محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران است. مقامات آمریکایی بارها اعلام کرده‌اند که گزینه‌های نظامی همچنان روی میز قرار دارند، اگر ایران به مرزهایی برسد که نشان‌دهنده توسعه سلاح هسته‌ای باشد. تهدید به مداخله نظامی، چه از طریق حملات هوایی به سایت‌های هسته‌ای و چه سایر روش‌های فشاری، نگرانی‌های عمده‌ای ایجاد کرده است چرا که هر دو طرف به طور مداوم زبان خصمانه‌ای را در پیش گرفته‌اند.

عوامل تاثیرگذار مربوط به توافق هسته‌ای ایران یا همان برجام نیز برای درک این منازعه گسترده اهمیت زیادی دارد. پس از خروج ایالات متحده از برجام تحت ریاست جمهوری ترامپ در سال ۲۰۱۸، ادامه حیات این توافق تحت سؤال قرار گرفته است. اقدامات ایران، مانند پیشرفت در غنی‌سازی اورانیوم، و تحریم‌های مستمر آمریکا، مانع از ایجاد هر گونه راه‌حل دیپلماتیک مؤثر شده‌اند. با وجود تلاش‌های گاه‌به‌گاه برای مذاکره، کانال‌های دیپلماتیک همچنان عمده‌تاً مسدود باقی مانده‌اند که این خود فضایی از بی‌اعتمادی و عدم قطعیت به‌وجود آورده است.



بدهی ملی آمریکا US.NATIONAL DEBT

استراتژی ایالات متحده تحت ریاست جمهوری ترامپ در اوایل ۲۰۲۵، به نظر می‌رسد که به سمت یک رویکرد «فشار حداکثری» بازگشته است. این استراتژی که هدف آن وارد کردن فشار اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی بر ایران برای مهار برنامه هسته‌ای و فعالیت‌های منطقه‌ای آن است، بازگشت تحریم‌ها از جمله تحریم‌های نفتی علیه ایران را به دنبال داشته است. مقامات ایالات متحده بارها تأکید کرده‌اند که تا زمانی که ایران برنامه هسته‌ای خود را متوقف نکند و از فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده در خاورمیانه دست برندارد، فشارهای اقتصادی و سیاسی ادامه خواهد یافت. ایالات متحده همچنین به گزینه‌های نظامی برای مقابله با ایران اشاره کرده است، به‌ویژه اگر تلاش‌های دیپلماتیک به نتیجه نرسد. بحث‌هایی در داخل دولت بایدن پیرامون احتمال حملات هوایی به تأسیسات هسته‌ای ایران وجود داشته است که برخی مقامات خواستار اقدام پیشگیرانه در صورتی که ایران به آستانه دستیابی به سلاح هسته‌ای برسد، هستند. این گزینه‌های نظامی، هرچند به طور صریح تأسیس نشده است، اما همچنان نگرانی‌های عمده‌ای برای امنیت منطقه‌ای به وجود آورده است.



دینامیک‌های منطقه‌ای و جنگ‌های نیابتی

مبارزه ادامه‌دار میان ایالات متحده و ایران تنها یک موضوع دوجانبه نیست؛ بلکه پیامدهای گسترده‌ای برای کل خاورمیانه دارد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای تنش‌های آمریکا و ایران، تأثیر آن بر روابط ایران با متحدان و گروه‌های نیابتی‌اش است. پس از سقوط رژیم بشار اسد در سوریه، گروه‌های حامی ایران در عراق از خواسته خود برای خروج کامل نیروهای آمریکایی عقب‌نشینی کرده‌اند. ترس از ایجاد یک خلأ قدرت که گروه‌هایی مانند داعش بتوانند از آن بهره‌برداری کنند، موجب تجدید نظر در نقش نیروهای آمریکایی در منطقه شده است. اقدامات ایران در یمن، جایی که از شورشیان حوثی حمایت می‌کند، همچنین تنش‌ها را با عربستان سعودی و ائتلاف عربی به شدت افزایش داده است. این جنگ‌های نیابتی که به وسیله تنش‌های آمریکا و ایران دامن زده شده‌اند، به بی‌ثباتی منطقه‌ای افزوده و محیطی از ناآرامی دائمی را ایجاد کرده‌اند.

آینده پیش رو: تشدید خطرات

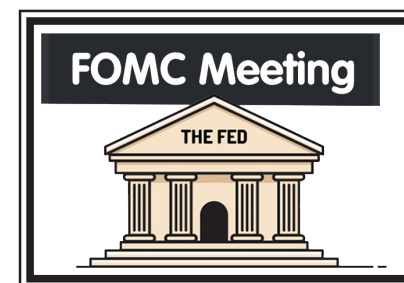
در شرایط فعلی، روابط ایالات متحده و ایران در نقطه حساس و بحرانی قرار دارد. احتمال درگیری نظامی به طور فزاینده‌ای افزایش یافته است چرا که هر دو طرف همچنان مواضع سخت‌گیرانه خود را حفظ کرده‌اند. برنامه هسته‌ای ایران، همراه با توسعه توانایی‌های نظامی این کشور و نفوذ منطقه‌ای آن، ایران را به یک رقیب قابل توجه تبدیل کرده است. در همین حال، ایالات متحده نشانه‌هایی از در شرایط فعلی، روابط ایالات متحده و ایران در نقطه حساس و بحرانی قرار دارد. احتمال درگیری نظامی به طور فزاینده‌ای افزایش یافته است چرا که هر دو طرف همچنان مواضع سخت‌گیرانه خود را حفظ کرده‌اند. برنامه هسته‌ای ایران، همراه با توسعه توانایی‌های نظامی این کشور و نفوذ منطقه‌ای آن، ایران را به یک رقیب قابل توجه تبدیل کرده است. در همین حال، ایالات متحده نشانه‌هایی از



تحلیل مواضع فدرال رزرو و تاثیر آن روی دلار و طلا



در ماه گذشته، اعضای کمیته بازار آزاد فدرال (FOMC) دیدگاه‌های ارزشمندی درباره اقتصاد ایالات متحده و موضع سیاست پولی فدرال رزرو ارائه کرده‌اند. سخنرانی‌ها و بیانیه‌های آن‌ها نشان‌دهنده خوش‌بینی محتاطانه نسبت به رشد اقتصادی، تعهد به بازگرداندن نرخ تورم به هدف ۲ درصد و رویکرد صبورانه در تنظیم نرخ بهره است.



در ماه‌های اخیر در سطح پایینی تثبیت شده است. با این حال، نرخ تورم همچنان نسبتاً بالا باقی مانده است. در کنفرانس خبری خود در ۲۹ ژانویه ۲۰۲۵، جروم پاول، رئیس فدرال رزرو، بر عدم قطعیت‌های مربوط به نرخ تورم و سیاست‌های دولت دونالد ترامپ تأکید کرد. به طور خاص، او به مسائل مربوط به تعرفه‌ها، مهاجرت، هزینه‌های دولتی و سیاست‌های نظارتی اشاره کرد. از دید وی علیرغم اینکه نرخ بهره فعلی (۴.۲۵٪ تا ۴.۵٪) فشار نزولی بر تورم وارد می‌کند، اقتصاد همچنان قوی است و نیازی به شتاب برای کاهش دوباره نرخ های بهره وجود ندارد.

بررسی دیدگاه اعضای فدرال رزرو نشان می‌دهد که از دید آنها اقتصاد ایالات متحده با رشد قوی و بازار کار پایدار انعطاف‌پذیری قابل توجهی از خود نشان داده است. اعضای فدرال رزرو باور دارند که داده‌های اخیر نشان می‌دهند که فعالیت اقتصادی با سرعتی مناسب ادامه دارد و نرخ بیکاری

چشم‌انداز اقتصادی

چندین عضو FOMC ابراز اطمینان کرده‌اند که تورم در نهایت به هدف ۲ درصد خواهد رسید، اما زمان تحقق این امر هنوز مشخص نیست. برای مثال، در سخنرانی اخیر خود، فیلیپ جفرسون، نایب رئیس فدرال رزرو، بر لزوم صبر قبل از در نظر گرفتن کاهش‌های بیشتر در نرخ بهره تأکید کرد. او اظهار داشت که با توجه به قدرت اقتصاد و تورم همچنان بالا، بهتر است سیاست‌گذاران قبل از اقدام بیشتر منتظر اطلاعات بیشتری باشند.

تورم و چشم‌انداز کاهش نرخ بهره

به‌طور مشابه، مری دالی، رئیس فدرال رزرو سانفرانسیسکو، تأکید کرد که تا زمانی که تورم به هدف ۲ درصد نزدیک نشود، دلیلی برای کاهش نرخ بهره نمی‌بیند. او اظهار داشت که سال ۲۰۲۵ با موقعیت اقتصادی قوی آغاز شده است و رشد اقتصادی و بازار کار همچنان مطلوب هستند. به گفته دالی، فدرال رزرو در حال حاضر فرصت دارد که سیاست فعلی را حفظ کرده و منتظر تغییرات در سیاست‌های دولت و اقتصاد گسترده‌تر باشد.

بازار مسکن

علاوه بر بحث‌های مرسوم درباره سیاست پولی، برخی از اعضای FOMC به مسائل مربوط به لزوم افزایش توان خرید مردم در حوزه دسترسی به مسکن نیز پرداخته‌اند. جان ویلیامز، رئیس فدرال رزرو

موضع سیاست پولی

در آخرین نشست خود، کمیته FOMC محدوده هدف نرخ بهره را در سطح ۴.۲۵٪ تا ۴.۵٪ حفظ کرده و پس از کاهش‌های متوالی مجموعاً یک درصدی در سه جلسه پایانی سال ۲۰۲۴، تصمیم به توقف کاهش بیشتر گرفته است. این تصمیم نشان‌دهنده قصد کمیته برای بررسی داده‌های اقتصادی جدید و چشم‌انداز آینده قبل از انجام تنظیمات بیشتر است.



جروم پاول بر اهمیت صبوری تأکید کرد و گفت که سیاست فعلی به‌خوبی برای ایجاد تعادل بین اشتغال حداکثری و ثبات قیمت‌ها تنظیم شده است. او تصریح کرد که در حالی که بازار کار همچنان قوی است، فدرال رزرو به هدف تورمی ۲٪ متعهد است و سیاست‌های خود را متناسب با تحولات اقتصادی تنظیم خواهد کرد.

جمع‌بندی

به‌طور کلی، پیام اعضای FOMC نشان‌دهنده خوش‌بینی محتاطانه است. آن‌ها ضمن اذعان به قدرت اقتصاد و کاهش نسبی تورم، همچنان بر رصد دقیق داده‌های اقتصادی و عوامل خارجی تأکید دارند. رویکرد غالب، صبر و احتیاط است، با تمرکز بر تحقق دو هدف اصلی: **حداکثر اشتغال و ثبات قیمت‌ها.**

جمع‌بندی و پیش‌بینی کلی

دلار آمریکا در کوتاه‌مدت به دلیل سیاست‌های نسبتاً سخت‌گیرانه فدرال رزرو و عدم کاهش نرخ بهره، قدرت خود را حفظ کند، اما در نیمه دوم سال ۲۰۲۵ در معرض ضعف قرار دارد، به‌ویژه اگر نشانه‌های اقتصادی از کاهش رشد یا نیاز به سیاست‌های انبساطی بیشتر ظاهر شوند.

طلا در کوتاه‌مدت با فشار نزولی مواجه است، اما در میان‌مدت و بلندمدت احتمال رشد آن وجود دارد، به‌ویژه در صورت تضعیف دلار، تغییر سیاست‌های فدرال رزرو، یا تشدید بحران‌های اقتصادی و سیاسی در سطح جهانی.

در نهایت، بازارها همچنان به **داده‌های اقتصادی و سیگنال‌های جدید از سوی FOMC** وابسته خواهند بود و هرگونه تغییر در موضع سیاست‌گذاران می‌تواند روند **دلار و طلا** را تحت تأثیر قرار دهد.

پی‌نوشت

توجه کنید که مواضع فدرال رزرو تنها یکی از عوامل تاثیرگذار روی دلار یا طلا است که اینجا تحلیل شد. طبیعتاً موارد تنش‌های نظامی و کسری بودجه و تراز تجاری آمریکا نیز روی این موضوع موثر هستند که در این مجال صرفاً تاثیر صرف سیاست‌های فدرال رزرو مورد بررسی قرار گرفت.

تحلیل مسیر دلار و طلا بر اساس مواضع FOMC

با توجه به مواضع اخیر اعضای FOMC، سیاست‌های پولی فدرال رزرو همچنان محتاطانه و وابسته به داده‌ها باقی خواهد ماند. تأکید بر ثبات نرخ بهره در محدوده فعلی (۴.۲۵٪ تا ۴.۵٪) و عدم تمایل فوری به کاهش آن، پیام مهمی برای بازارهای مالی دارد که می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر دلار آمریکا و قیمت طلا داشته باشد.

۱. مسیر دلار آمریکا

● **تقویت موقتی دلار:** با توجه به اینکه فدرال رزرو هنوز کاهش نرخ بهره را قطعی نکرده است و همچنان تأکید بر **صبوری در تصمیم‌گیری‌های آینده** دارد، شاخص **دلار آمریکا (DXY)** ممکن است در کوتاه‌مدت باز هم تقویت شود. این موضوع ناشی از این است که دیگر بانک‌های مرکزی جهان، مانند **بانک مرکزی اروپا (ECB)** و **بانک انگلستان (BoE)**، با شتاب بیشتری از فدرال رزرو شروع به کاهش نرخ‌های بهره خواهند کرد، که این امر تقاضا برای دلار را افزایش خواهد داد.

● **ریسک کاهش ارزش دلار در نیمه دوم ۲۰۲۵:** با این حال، اگر داده‌های اقتصادی نشان دهد که **تورم به کاهش ادامه می‌دهد** و رشد اقتصادی با چالش‌هایی مواجه شود، بازارها ممکن است شروع به پیش‌بینی **کاهش نرخ بهره در نیمه دوم ۲۰۲۵** کنند. در این صورت، دلار می‌تواند تضعیف شود، به‌ویژه در برابر ارزهایی که بانک‌های مرکزی آن‌ها **کمتر به کاهش نرخ بهره متعهد شده‌اند** و یا حتی در حال افزایش نرخ بهره هستند؛ مانند **بانک مرکزی ژاپن**.

۲. مسیر قیمت طلا

● **فشار نزولی در کوتاه‌مدت:** با توجه به لحن محتاطانه جروم پاول و سایر اعضای FOMC و عدم تمایل برای کاهش نرخ بهره در آینده‌ای نزدیک، بازارهای مالی ممکن است انتظارات خود از سیاست‌های انبساطی را تعدیل کنند. این امر می‌تواند در کوتاه‌مدت باعث کاهش تقاضا برای طلا شود، زیرا نرخ بهره بالا معمولاً هزینه فرصت نگهداری طلا را افزایش می‌دهد و باعث کاهش جذابیت آن نسبت به دارایی‌هایی مانند اوراق قرضه دولتی آمریکا می‌شود.

● **حمایت از طلا در میان‌مدت و بلندمدت:** با این حال، اگر نشانه‌هایی از کاهش رشد اقتصادی در ماه‌های آینده ظاهر شود یا داده‌های اقتصادی نشان دهند که فدرال رزرو در نهایت مجبور به کاهش نرخ بهره خواهد شد، طلا می‌تواند دوباره مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار بگیرد. به‌ویژه در صورتی که نگرانی‌های ژئوپلیتیکی، بی‌ثباتی در بازارهای مالی، یا افزایش تورم در نیمه دوم ۲۰۲۵ رخ دهد، این فلز گران‌بها می‌تواند از افزایش تقاضای سرمایه‌گذاران به‌عنوان دارایی امن بهره‌بردار.

اهمیت تجاری و راهبردی کانال پاناما

کانال پاناما یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجاری دریایی در جهان است که به عنوان یک گذرگاه حیاتی بین اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام عمل می‌کند. از زمان افتتاح آن در ۱۹۱۴، این کانال به طور چشمگیری زمان و هزینه حمل‌ونقل دریایی را کاهش داده و باعث شده تا جابه‌جایی کالاها سریع‌تر و کارآمدتر انجام شود. کانال پاناما نقش کلیدی در تجارت بین‌المللی دارد و تأثیر عمیقی بر اقتصادهای بزرگ و زنجیره‌های تأمین جهانی می‌گذارد. در این قسمت، به برخی امتیازات این کانال در تجارت و اقتصاد دنیا و همین‌طور از دید راهبردی اشاره می‌کنیم:



- کاهش مسیرهای تجاری و هزینه‌های حمل‌ونقل

پیش از ساخت کانال پاناما، کشتی‌ها مجبور بودند دور آمریکای جنوبی را طی کنند و از دماغه هورن عبور نمایند، که هزاران مایل به مسیر آن‌ها اضافه می‌کرد و هفته‌ها زمان سفر را طولانی‌تر می‌ساخت. کانال پاناما میانبری ایجاد کرده که مسیر بین سواحل شرقی ایالات متحده و آسیا را حدود ۸۰۰۰ مایل دریایی کوتاه‌تر می‌کند. این کاهش مسیر باعث کاهش مصرف سوخت، هزینه‌های نیروی کار و هزینه‌های حمل‌ونقل می‌شود.

- نقش کلیدی در تجارت جهانی

کانال پاناما حدود ۵٪ از کل تجارت جهانی را مدیریت می‌کند و نقطه اتصال حیاتی میان آسیا، آمریکای شمالی، آمریکای جنوبی و اروپا محسوب می‌شود. از مهم‌ترین کالاهایی که از طریق این کانال جابه‌جا می‌شوند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کالاهای کانتینری: لوازم الکترونیکی، محصولات مصرفی، ماشین‌آلات
- محصولات انرژی: گاز طبیعی مایع (LNG)، نفت خام و فرآورده‌های پالایشی
- محصولات کشاورزی: غلات، سویا، گوشت و کودهای شیمیایی
- مواد خام: فلزات، مواد معدنی و مواد شیمیایی

کانال پاناما با اتصال بازارهای جهانی، تجارت بین ایالات متحده، چین، ژاپن و اتحادیه اروپا را تسهیل می‌کند.

مروى بر تنش‌های ژئوپولیتیکی اخیر درباره کانال پاناما

مقدمه

عوامل ژئوپولیتیکی در سالهای اخیر یکی از فاکتورهای اصلی تأثیرگذار بر بازارهای مالی بوده و لذا آشنایی و تحلیل ریشه‌ها و دامنه تأثیرات این عوامل می‌تواند در تصمیم‌گیری درست معامله‌گران موثر واقع باشد. از همین روی، در هر شماره این بولتن ما به شماری از حوزه‌های این تنش‌های ژئوپولیتیکی اشاره داشته و آنها را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم. در این شماره، تنشهای مربوط به کانال پاناما بررسی می‌شوند.

تاریخچه وضعیت حقوقی کانال پاناما

کانال پاناما یکی از مهم‌ترین مسیرهای دریایی جهان است که از زمان ساخت آن تاکنون تحت رژیم‌های حقوقی مختلفی قرار گرفته و همواره موضوعی حساس در روابط بین‌المللی، به‌ویژه میان ایالات متحده و پاناما، بوده است. در ادامه، به بررسی تحولات حقوقی این کانال از آغاز تا وضعیت کنونی می‌پردازیم.

در اوایل قرن بیستم، ایالات متحده با امضای معاهده‌های-بونو-واریا با پاناما، کنترل کانال را در ازای حمایت از استقلال این کشور از کلمبیا به دست آورد. این معاهده به آمریکا اجازه داد که مالکیت کامل و دائمی کانال را در اختیار داشته باشد. همچنین، به ایالات متحده این حق داده شد که در صورت بروز بحران، در امور داخلی پاناما مداخله کند. این وضعیت باعث نارضایتی گسترده مردم پاناما شد و احساسات ضدآمریکایی را در این کشور تقویت کرد.

پس از دهه‌ها اعتراضات و فشارهای سیاسی، در دوران ریاست‌جمهوری جیمی کارتر، ایالات متحده و پاناما معاهده‌ای را امضا کردند که به موجب آن، کنترل کانال به تدریج از آمریکا به پاناما منتقل شد. این انتقال که از سال ۱۹۷۹ آغاز شده بود، در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۹ به پایان رسید و پاناما به طور رسمی مالک و مدیر کانال شد. از آن زمان تاکنون، اداره کانال پاناما (ACP)، که یک نهاد دولتی مستقل پانامایی محسوب می‌شود، مسئولیت مدیریت، توسعه و نگهداری این آبراه را بر عهده دارد.

با وجود حاکمیت رسمی پاناما بر کانال، چالش‌های جدیدی در سال‌های اخیر به وجود آمده است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، نفوذ چین در منطقه است. چین سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در پاناما انجام داده و در پروژه‌های زیرساختی کانال نقش مهمی ایفا کرده است. یکی از شرکت‌های مستقر در هنگ‌کنگ، CK Hutchison Holdings، مدیریت دو بندر مهم در دو سوی کانال را بر عهده دارد. این مسئله باعث نگرانی ایالات متحده شده است، زیرا آمریکا پاناما را بخشی از حوزه نفوذ خود می‌داند و افزایش حضور چین در این کشور را تهدیدی برای منافع استراتژیک خود تلقی می‌کند.

- گسترش کانال پاناما و تأثیر آن بر تجارت

در سال ۲۰۱۶، پاناما پروژه‌ای بزرگ را تحت عنوان گسترش کانال پاناما (Third Set of Locks Project) تکمیل کرد که به کشتی‌های بزرگ‌تری موسوم به نئوپاناماکس (Neo-Panamax) اجازه عبور داد. این توسعه تغییرات بزرگی ایجاد کرد:

- ظرفیت حمل بار را افزایش داد و کشتی‌هایی با ظرفیت تا ۱۴۰۰۰ کانتینر را قادر به عبور کرد (در مقایسه با حداکثر ۵۰۰۰ کانتینر قبلی)
- بازدهی تجاری را بهبود بخشید و باعث کاهش تراکم و افزایش تعداد عبور کشتی‌ها در روز شد.
- صادرات انرژی آمریکا را تقویت کرد و امکان عبور تانکرهای گاز طبیعی مایع (LNG) را فراهم نمود، که پیش از این به دلیل اندازه بزرگ، امکان عبور از کانال را نداشتند.

این گسترش باعث شد تا کانال پاناما در رقابت با مسیرهای جایگزین مانند کانال سوئز و شبکه ریلی داخلی ایالات متحده کارآمدتر شود.

- اهمیت راهبردی برای تجارت ایالات متحده

برای ایالات متحده، کانال پاناما یک مسیر تجاری حیاتی محسوب می‌شود، به‌ویژه برای حمل‌ونقل کالا بین سواحل شرقی و آسیا چرا که:

- حدود ۶۶٪ از کل ترافیک کانال مرتبط با تجارت ایالات متحده است.
- این کانال مسیر اصلی برای صادرات محصولات کشاورزی آمریکا، به‌ویژه غلات و سویا از مناطق میانه غربی به آسیا محسوب می‌شود.
- صنعت انرژی آمریکا نیز از این مسیر بهره می‌برد و صادرات گاز طبیعی مایع (LNG) به آسیا از طریق این کانال افزایش یافته است.

همچنین، بنادر مهمی مانند نیویورک، ساوانا و هیوستون در ایالات متحده برای پذیرش کشتی‌های بزرگ‌تر که از طریق کانال پاناما عبور می‌کنند، زیرساخت‌های خود را گسترش داده‌اند.

اظهارات ترامپ درباره کانال پاناما و واکنش‌های جهانی



در اواخر سال ۲۰۲۴، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده، ادعا کرد که آمریکا باید کنترل کانال پاناما را دوباره به دست گیرد. او مدعی شد که پاناما هزینه‌های عبور کشتی‌های آمریکایی را بیش از حد افزایش داده و هشدار داد که این آبراه مهم "در دستان اشتباهی" قرار گرفته است که اشاره‌ای مستقیم به نفوذ چین می‌باشد. این اظهارات واکنش‌های گسترده‌ای در سطح بین‌المللی به همراه داشت.

واکنش‌ها به اظهارات ترامپ

- واکنش دولت پاناما

رئیس‌جمهور پاناما، خوزه رائول مولینو، اظهارات ترامپ را به شدت رد کرد و اعلام کرد که کانال پاناما تحت حاکمیت ملی پاناما باقی خواهد ماند. او تأکید کرد که تعرفه‌های عبور از کانال برای تمامی کشورها به‌طور برابر اعمال می‌شود و دخالت خارجی را در این موضوع غیرقابل‌قبول دانست.

- واکنش چین

دولت چین نیز واکنش شدیدی به این اظهارات نشان داد. وزارت امور خارجه چین ادعاهای ترامپ را "بی‌اساس و غیرمسئولانه" خواند و تأکید کرد که همکاری این کشور با پاناما در پروژه‌های زیرساختی ادامه خواهد یافت.

- واکنش مردم پاناما

این سخنان ترامپ باعث ایجاد احساسات ملی‌گرایانه در پاناما شد. بسیاری از مردم این کشور به یاد مداخلات تاریخی آمریکا خصوصاً حمله نظامی به این کشور توسط آمریکا به رهبری بوش پدر در ۱۹۸۹ (۱) افتادند و در اعتراض به سخنان ترامپ، تظاهراتی را در مقابل سفارت آمریکا در پاناما سیتی برگزار کردند. در این تظاهرات، معترضان ترامپ را "دشمن پاناما" خواندند.



تهدیدات و حرکت بعدی واشنگتن

دولت آمریکا از طریق مارکو روبیو، وزیر امور خارجه، به این مسئله ورود کرد. وی به پاناما سفر کرد و از دولت این کشور خواست که نفوذ چین را در کانال کاهش دهد. او همچنین هشدار داد که اگر پاناما اقدام لازم را انجام ندهد، ممکن است عواقبی برای این کشور در پی داشته باشد.

نتایج این تنش‌ها و تغییر سیاست پاناما

در پی فشارهای آمریکا، دو وکیل پانامایی شکایتی را به دیوان عالی پاناما ارائه کردند که در آن خواستار لغو قرارداد شرکت CK Hutchison Holdings، مستقر در هنگ‌کنگ، برای مدیریت دو بندر در دو سوی کانال پاناما شدند. آنان استدلال کردند که این قرارداد ناقض قانون اساسی پاناما است و این شرکت بیش از حد قدرت و نفوذ در کانال پیدا کرده است.

این شرکت از سال ۱۹۹۷ مدیریت بنادر پاناما را در اختیار داشته و در سال ۲۰۲۱ قرارداد آن به‌طور خودکار برای ۲۵ سال دیگر تمدید شد. این شکایت می‌تواند موجب تغییرات جدی در مدیریت کانال شود.

همچنین به دنبال تنش‌های ایجادشده، دولت پاناما اعلام کرد که از طرح "کمربند و جاده" چین خارج خواهد شد. این تصمیم نشان‌دهنده تغییر در سیاست خارجی پاناما و کاهش وابستگی به چین است، موضوعی که آمریکا از آن استقبال کرده است.

با این حال باید توجه داشت که پرونده حقوقی علیه شرکت CK Hutchison Holdings همچنان در دیوان عالی پاناما در حال بررسی است و نتیجه آن هنوز مشخص نیست. اما این مسئله می‌تواند بر روابط تجاری بین‌المللی و مناسبات ژئوپلیتیکی در منطقه تأثیر زیادی بگذارد.

جمع‌بندی

ادعاهای ترامپ درباره کانال پاناما موجی از واکنش‌های بین‌المللی را به همراه داشت. از اعتراضات داخلی در پاناما گرفته تا مداخله آمریکا و تغییر در سیاست‌های پاناما نسبت به چین، این رویدادها نشان‌دهنده اهمیت ژئوپلیتیکی این مسیر دریایی مهم در اقتصاد جهانی است. در حالی که پاناما سعی دارد میان منافع آمریکا و چین تعادل برقرار کند، اما مشخص است که این کشور تحت فشار قرار گرفته است تا نفوذ چین را در منطقه کاهش دهد.

با توجه به روند فعلی، آینده کانال پاناما و روابط پاناما با قدرت‌های جهانی به نتیجه پرونده حقوقی علیه شرکت چینی، تصمیمات سیاسی دولت پاناما، و نحوه تعامل این کشور با آمریکا و چین بستگی دارد.

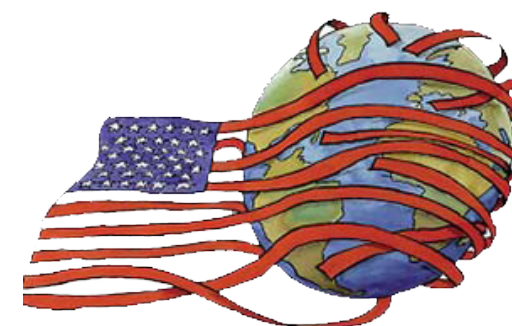
حمله آمریکا به پاناما که با نام عملیات "هدف مشروع" (Operation Just Cause) شناخته می‌شود، در دسامبر ۱۹۸۹ با هدف برکناری مانوئل نوریگا انجام شد. دلایل اصلی این حمله شامل قاچاق مواد مخدر، تقلب در انتخابات، حمله به نیروهای آمریکایی، و نگرانی درباره امنیت کانال پاناما بود.

در این حمله، بیش از ۲۷ هزار سرباز آمریکایی به پاناما سیتی و پایگاه‌های نظامی مهم این کشور حمله کردند. نوریگا در سفارت واتیکان پناه گرفت اما پس از دو هفته تحت فشار آمریکا در ۳ ژانویه ۱۹۹۰ تسلیم شد. در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۰ عملیات نظامی رسماً پایان یافت.

نتایج این حمله شامل موارد زیر بود:

- صدها تا هزاران غیرنظامی کشته شدند و بخش‌هایی از پاناما سیتی تخریب شد.
- آمریکا یک دولت جدید به رهبری گی‌یرمو اندارا را منصوب کرد.
- سازمان ملل و جامعه بین‌المللی این حمله را نقض قوانین بین‌المللی دانستند.
- این عملیات الگویی برای حملات نظامی بعدی آمریکا شد، از جمله در عراق و افغانستان.

با وجود برکناری نوریگا و بازگرداندن دموکراسی، این حمله تأثیر عمیقی بر پاناما گذاشت و همچنان بحث‌هایی درباره حاکمیت ملی، حقوق بشر، و سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا در جریان است.



با تحلیل‌اپ، تصمیم بگیرید

از تحلیل و جمع‌آوری پارامترهای ضروری در بورس تا تصمیم‌گیری برای گزینش و چینش یک سبد بهینه و کارآمد



چکیده سخنرانی جفرسون درباره اقتصاد آمریکا و سیاست پولی متناسب با آن

در سخنرانی خود در تاریخ ۴ فوریه ۲۰۲۵، فیلیپ ن. جفرسون، معاون رئیس فدرال رزرو ایالات متحده، به چشم‌انداز اقتصادی و سیاست‌های پولی در ایستون، پنسیلوانیا پرداخت. او نسبت به اقتصاد ایالات متحده ابراز خوشبینی کرد و اشاره کرد که تورم در حال کاهش است و انتظار می‌رود که رشد اقتصادی و همچنین بازار کار قوی ادامه یابد. او به عدم قطعیت‌های ذاتی در پیش‌بینی‌های اقتصادی اذعان کرد و بر مأموریت دوگانه فدرال رزرو در دستیابی به حداکثر اشتغال و ثبات قیمت‌ها تأکید کرد.

جفرسون گزارش داد که تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال ۲۰۲۴ به میزان ۲.۵٪ رشد کرده است و مصرف خانوارها یکی از عوامل اصلی این رشد بوده است. او به تاب‌آوری مصرف‌کنندگان آمریکایی اشاره کرد و خاطرنشان کرد که مخارج خانوار پس از تعدیل برای تورم به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته است. با این حال، او اشاره کرد که برخی بخش‌ها، مانند سرمایه‌گذاری مسکونی، رشد کندتری از خود نشان داده‌اند.

در مورد بازار کار، جفرسون دیدگاه متعادلی را ارائه داد و اعلام کرد که هرچند نرخ بیکاری با افزایش اندکی مواجه شده، اما هنوز نسبتاً پایین است. او ادامه داد که تقاضا برای کارگران همچنان ادامه دارد اما استخدام‌ها تا حدی متعادل شده ولی اخراج‌ها افزایش نیافته است. رشد دستمزد نیز کندتر شده است، اما همچنان از نرخ تورم پیشی می‌گیرد.

جفرسون در مورد تورم ابراز داشت که در حالی که تورم از اوج ۷.۲٪ در ژوئن ۲۰۲۲ به ۲.۶٪ در دسامبر ۲۰۲۴ کاهش یافته است، اما همچنان بالای هدف ۲٪ فدرال رزرو قرار دارد. او به چالش‌های پیش رو در دستیابی به این هدف اشاره کرد اما امیدواری خود را نسبت به ادامه روند کاهش تورم ابراز کرد.

او با بحث در مورد سیاست‌های پولی سخن خود را پایان داد و گفت که کمیته بازار باز فدرال (FOMC) به‌منظور مقابله با تورم نرخ‌های بهره را به‌طور قابل‌توجهی افزایش داد و از آن زمان رویکرد احتیاطی را حفظ کرده است. جفرسون بر اهمیت ارزیابی دقیق داده‌های اقتصادی و باقی ماندن در حالت انعطاف‌پذیری در مواجهه با شرایط در حال تغییر تأکید کرد؛ زیرا فدرال رزرو در تلاش است تا به هدف‌های حداکثر اشتغال و ثبات قیمت‌ها دست یابد.

جمع بندی

آقای جفرسون دیدگاه متعادلی نسبت به وضعیت اقتصاد و بازار کار و تورم در آمریکا دارد و خواهان ادامه یک رویکرد داده-محور منطقی بوده و لذا او را بایستی در اردوگاه میانه رو در چهارچوب کمیته FOMC فدرال رزرو قرار داد.

وضعیت اقتصاد آمریکا از دید یک عضو FOMC

مقدمه

با توجه به دسترسی اعضای FOMC به داده‌های باکیفیت و تجربه و دانش انباشته‌شان، بهتر است برای سنجش وضعیت اقتصاد آمریکا همیشه نگاهی به تحلیل‌ها و دیدگاه‌های آنها داشته باشیم. در این نوشتار، تحلیلی را که آقای فیلیپ جفرسون از اعضای کمیته FOMC داشته است با هم مرور می‌کنیم.

فیلیپ جفرسون کیست؟

فیلیپ ن. جفرسون (Philip N. Jefferson) یک اقتصاددان آمریکایی است که به عنوان نایب رئیس فدرال رزرو ایالات متحده خدمت می‌کند و لذا دارای حق رای در جلسات کمیته بازار باز (FOMC) است.

او در سپتامبر ۲۰۲۲ به این مقام منصوب شد و پس از آن در زمینه سیاست‌های پولی و نظارت بر اقتصاد کلان کشور فعالیت می‌کند. جفرسون دارای تحصیلات عالی در رشته اقتصاد است و دکتری خود را از دانشگاه آیووا (University of Iowa) دریافت کرده است.

قبل از پیوستن به فدرال رزرو، جفرسون به عنوان استاد اقتصاد در دانشگاه اموری (Emory University) فعالیت می‌کرد و تجربه‌های علمی و آموزشی بسیاری در زمینه اقتصاد دارد. او همچنین به موضوعات اقتصادی مرتبط با

سیاست‌های مالی، بیکاری، و مسائل اجتماعی و اقتصادی جوامع اقلیت پرداخته است. جفرسون به عنوان معاون رئیس فدرال رزرو نقشی کلیدی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی ایفا

می‌کند، به ویژه در زمینه تعیین نرخ بهره و مدیریت تورم. او به خاطر رویکردهای متوازن و تحلیلی‌اش در برخورد با چالش‌های اقتصادی معاصر شناخته می‌شود و به دنبال دستیابی به اهداف دوگانه فدرال رزرو یعنی حداکثر اشتغال و ثبات قیمت‌ها است.



پوند و جنگ تجاری

مقدمه

در سمینار «چشم انداز بازارهای مالی در سال ۲۰۲۵» گفتم که پوند از ناحیه جنگ تجاری کمترین آسیب را خواهد دید و از این جهت نسبت به یورو وضعیت بهتری خواهد داشت. در این یادداشت، این موضوع را به صورت مشروح تری بررسی کرده و با شما به اشتراک میگذاریم.

جنگ تجاری و نوسانات بازار FX

بازارهای جهانی در هفته نخست فوریه پس از تأیید برنامه‌های دونالد ترامپ برای اعمال تعرفه بر واردات از سه شریک بزرگ تجاری ایالات متحده با نوسانات جدیدی روبه‌رو شدند.

ترامپ روز دوشنبه ۳ فوریه و پس از آنکه مکزیک و کانادا توافق کردند که اقداماتی برای مقابله با عبور فنتانیل از مرزها به ایالات متحده اتخاذ کنند تصمیم گرفت تعرفه‌های ۲۵ درصدی بر واردات از مکزیک و کانادا را برای مدت ۳۰ روز به تعویق بیندازد، اما برای چین تعویقی وجود نداشت، که با ۱۰ درصد تعرفه وارداتی روبه‌روست و در پاسخ تعرفه‌هایی تا ۱۵ درصد بر کالاهای آمریکایی اعمال کرده است.

اقتصادهای اروپایی نیز در معرض خطرات ناشی از رژیم تعرفه‌ای ترامپ قرار دارند. رئیس‌جمهور ایالات متحده روز یکشنبه به خبرنگاران گفت که تعرفه‌ها بر اتحادیه اروپا "قطعا اعمال خواهد شد".

معافیت بریتانیا؟!

در همان حال که ترامپ دیگران را با تیغ تعرفه‌ها تهدید می‌کند، اما درباره بریتانیا اشاره کرد که توافقی تجاری "می‌تواند با بریتانیا به دست آید"، کشوری که تجارت با ایالات متحده در آن متعادل‌تر است و واشنگتن از یک کسری تراز تجاری گسترده رنج نمی‌برد.

ترامپ درباره بریتانیا به خبرنگاران گفت که «من مطمئن هستم که این موضوع قابل حل است.» وی افزود که "رابطه بسیار خوبی" با نخست‌وزیر چپ‌گرای بریتانیا، کیر استارمر دارد.

وزیر دارایی بریتانیا، ریچل ریوز، نیز ماه گذشته تأکید کرد که وقتی که صحبت از کسری‌های تجاری می‌شود که ترامپ قصد اصلاح آن‌ها را با سیاست‌های تعرفه‌ای دارد بریتانیا بخشی از مشکل نیست. ایالات متحده بزرگترین شریک تجاری بریتانیا در سال منتهی به سپتامبر ۲۰۲۴ بود که بنا بر داده‌های رسمی، بیش از ۱۷ درصد از تجارت کل بریتانیا را تشکیل می‌دهد.

بسته به اینکه به کدام آمار نگاه کنید، این دو کشور یا کسری تجاری کمی دارند یا مازاد تجاری. آنچه برای ترامپ مهم است – که از این که ایالات متحده کمتر از کشوری صادرات داشته باشد نفرت دارد – این است که این ارقام تقریباً متعادل هستند.

چرا اقتصاد بریتانیا و پوند می‌توانند از جنگ‌های تجاری مصون مانده و حتی سود ببرند؟

چندین دلیل وجود دارد که باور داشت اقتصاد بریتانیا که هر روز برای آغاز مجدد رشد می‌جنگد از جنگ تجاری ترامپ تقویت شود. دلایل این امر را مرور می‌کنیم:

- اقتصاد خدماتی

ماهیت متمرکز خدماتی اقتصاد بریتانیا آن را به‌طور قابل توجهی از پیامدهای تعرفه‌ها محافظت می‌کند. تعرفه‌ها به‌ویژه برای صنایعی که زنجیره تأمین پیچیده دارند، مضر هستند، جایی که کالاها چندین بار از مرز عبور می‌کنند زیرا شرکت‌ها سعی می‌کنند ورودی‌ها را به کالاهای نهایی تبدیل کنند. این مورد برای بازار بریتانیا صدق نمی‌کند، که عمدتاً خدمات بانکی و مشاوره‌ای به ایالات متحده صادر می‌کند و در واقع، نهایت اثرات منفی بر بازار و اقتصاد بریتانیا محدود به صنایعی مانند ماهیگیری و معدن خواهد بود.

پنج کالای بزرگ صادراتی بریتانیا به ایالات متحده شامل خودروها، داروها و محصولات دارویی، ژنراتورهای قدرت مکانیکی، ابزارهای علمی و هواپیماها بود که ارزش کل آنها ۲۵.۶ میلیارد پوند (۳۱.۸ میلیارد دلار) می‌شود.

با این حال، ارزش این صادرات با صادرات بزرگترین خدمات آن، از جمله خدمات مالی و بیمه، که ارزش کل آنها ۱۰۹.۶ میلیارد پوند است، قابل مقایسه نیست و لذا از آنجا که تعرفه‌ها صرفاً روی کالاهای وارداتی اعمال می‌شود، عملاً صادرات بریتانیا به ایالات متحده عمدتاً از گزند تعرفه‌ها مصون خواهند بود.

- موقعیت منحصربه‌فرد

نری کارا سیلامان از مدرسه کسب‌وکار سید دانشگاه آکسفورد اظهار داشته که اجتناب کامل از تعرفه‌ها ایده‌آل‌ترین سناریو است زیرا می‌تواند صنایع کلیدی بریتانیا را تقویت کند.

وی به CNBC گفت: "اگر بریتانیا بدون تعرفه بماند، می‌تواند موقعیت منحصربه‌فردی برای جذب سرمایه‌گذاری، استعداد و مشارکت‌های تجاری جدید پیدا کند."

وی افزود: "با تعرفه‌ها که کسب‌وکارها را وادار به یافتن مراکز هزینه‌مؤثرتر می‌کنند، بریتانیا می‌تواند به دروازه‌ای مطلوب برای شرکت‌هایی تبدیل شود که می‌خواهند محدودیت‌ها را دور بزنند. بخش‌هایی مانند کالاهای لوکس و مد، داروسازی و تولید تجهیزات پیشرفته – که بریتانیا در آنها پیش‌تاز است – ممکن است شاهد ورود سرمایه‌گذاری و فرصت‌های تجاری بیشتری باشند." سیلامان گفت که صنایع بریتانیا شامل خودروسازی، هوافضا و مالی نیز می‌توانند از افزایش تقاضا بهره‌مند شوند.

جنگ های تجاری از منظر تاریخ اقتصادی

مقدمه

سیاست های تعرفه ای ترامپ مدتی است که آشوبی کم نظیر در بازارهای مالی به راه انداخته است. نظر به اینکه جنگ های تجاری پیشتر نیز روی داده اند، این یادداشت را به بررسی این موضوع از منظر تاریخ اقتصادی اختصاص داده ایم.

جنگ تجاری در حال شکل گیری و شباهت های تاریخی آن

یک جنگ تجاری بزرگ در حال شکل گیری است و تاریخ نشان می دهد که اقتصاد ایالات متحده ممکن است از این وضعیت سودی نبرد.

اقتصاددانان می گویند که این تعرفه های اولیه ممکن است به یک جنگ تجاری وسیع تر تبدیل شود. ایالات متحده همچنین در آستانه درگیری های تجاری با کانادا و مکزیک قرار دارد و ترامپ تهدید کرده است که بر اتحادیه اروپا تعرفه وضع خواهد کرد که اتحادیه اروپا نیز وعده داده است که در صورت اجرای چنین اقداماتی واکنش نشان دهد.

نخست وزیر دانمارک، مت فردریکسن، گفته است: "من هرگز از ایده جنگ با متحدان حمایت نخواهم کرد. اما البته اگر ایالات متحده شرایط سختی برای اروپا بگذارد، ما به یک واکنش جمعی و محکم نیاز داریم."

این تنش رو به رشد به یک دوره تاریخی مشابه در ایالات متحده شباهت دارد—قانون تعرفه اسموت—هاولی در سال ۱۹۳۰—که به گفته تاریخ نگاران اقتصادی باعث آغاز یک جنگ تجاری شدید و تشدید رکود بزرگ شد.

تعرفه اسموت-هاولی: یک داستان پندآموز

قانون تعرفه اسموت-هاولی، یکی از بحث برانگیزترین قوانین تجاری در تاریخ ایالات متحده، با هدف حمایت از کشاورزان آمریکایی که در دوران جنگ جهانی اول تولید خود را گسترش داده بودند اما پس از جنگ به دلیل کاهش قیمت ها و بهبود تولید اروپا متضرر شدند، به تصویب رسید.

با این حال، کنگره دامنه تعرفه ها را به صنایع مختلفی فراتر از کشاورزی گسترش داد. این قانون که به نام حامیان جمهوری خواه آن، نماینده ویلیس هاولی از اورگان و سناتور رید اسموت از یوتا نام گذاری شده است، بر ۸۰۰ تا ۹۰۰ کالای وارداتی مختلف تاثیر گذاشت که حدود ۲۵ درصد از تمام واردات ایالات متحده را شامل می شد.

رئیس جمهور هربرت هوور که در انتخابات خود بر اساس پلتفرم حمایت از کشاورزان از طریق تعرفه ها کمپین کرده بود، این قانون را علیرغم مخالفت بیش از ۱,۰۰۰ اقتصاددان که خواستار وتو بودند، در ژوئن ۱۹۳۰ امضا کرد.

این قانون تعرفه ها را بر واردات مشمول تعرفه به طور متوسط ۴۷ درصد افزایش داد—حرکتی که بلافاصله باعث واکنش های تلافی جویانه از سوی شرکای تجاری اصلی ایالات متحده شد و پیامدهای اقتصادی شدیدی داشت.

تلافی و عواقب اقتصادی

تعرفه اسموت-هاولی باعث اعمال تعرفه های تلافی جویانه از سوی ۹ شریک تجاری کلیدی—آرژانتین، استرالیا، کانادا، کوبا، فرانسه، ایتالیا، مکزیک، اسپانیا و سوئیس شد. کانادا که به شدت به بازارهای ایالات متحده وابسته بود، یکی از نخستین کشورهایی بود که واکنش نشان داد و تعرفه های قابل توجهی وضع کرد که به شدت صادرات آمریکایی ها را محدود کرد.

این واکنش متقابل منجر به شکل گیری بلوک های تجاری شد که ایالات متحده را از آنها حذف کرد و ۳۵ دولت به طور رسمی علیه این قانون اعتراض کردند. نتیجه این بود که تجارت جهانی به طور چشمگیری سقوط کرد و رکود بزرگ تشدید شد. صادرات ایالات متحده به کشورهای تلافی کننده حدود ۲۸ درصد تا ۳۲ درصد کاهش یافت، در حالی که کشورهای مخالف تعرفه نیز واردات خود از کالاهای آمریکایی را ۱۵ درصد تا ۲۳ درصد کاهش دادند.

طبق سوابق تاریخی سنای ایالات متحده، تعرفه اسموت-هاولی یکی از ویرانگرترین قوانین در تاریخ کنگره بود.

تغییر رویکرد به سمت کاهش تعرفه ها

با شناسایی آثار منفی تعرفه های بالا، ایالات متحده بعدها رویکرد خود را تغییر داد و موانع تجاری را کاهش داد تا همکاری های اقتصادی را ترویج دهد و از وقوع درگیری های تجاری که ممکن است منجر به جنگ شوند جلوگیری کند.

میانگین تعرفه ها بر واردات مشمول تعرفه از ۵۹ درصد در سال ۱۹۳۲ به حدود ۱۳ درصد در سال ۱۹۵۰ کاهش یافت و در نهایت بین اواسط دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ به کمتر از ۵ درصد رسید. میانگین نرخ تعرفه ها بر تمام واردات، شامل کالاهایی که مشمول تعرفه نیستند، از حدود ۲۰ درصد در سال ۱۹۳۳ به کمتر از ۲ درصد بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ کاهش یافت.

ماهیت خاص تعرفه های ترامپ



اگرچه رؤسای جمهور پیشین ایالات متحده، از جمله باراک اوباما، جورج بوش، رونالد ریگان و ریچارد نیکسون، از تعرفه ها استفاده کرده اند، رویکرد ترامپ در استفاده گسترده از آنها متفاوت است. برخلاف تعرفه های گذشته که اغلب در پاسخ به شکایات صنایع خاص در مورد رقابت خارجی اعمال می شد، تعرفه های ترامپ به طور گسترده بر واردات از کشورهای خاص اعمال می شود. برت هاوس، استاد اقتصاد در دانشکده تجارت کلمبیا، اشاره کرده است که توجیه ترامپ برای وضع تعرفه ها—برای فشار به کانادا و مکزیک به دلیل قاچاق مواد مخدر غیرقانونی و مهاجرت غیرقانونی—بی سابقه است. وی افزود که انگیزه های ترامپ دلایلی نیستند که در گذشته برای وضع تعرفه ها استفاده شده اند.

آیا تاریخ در حال تکرار است؟

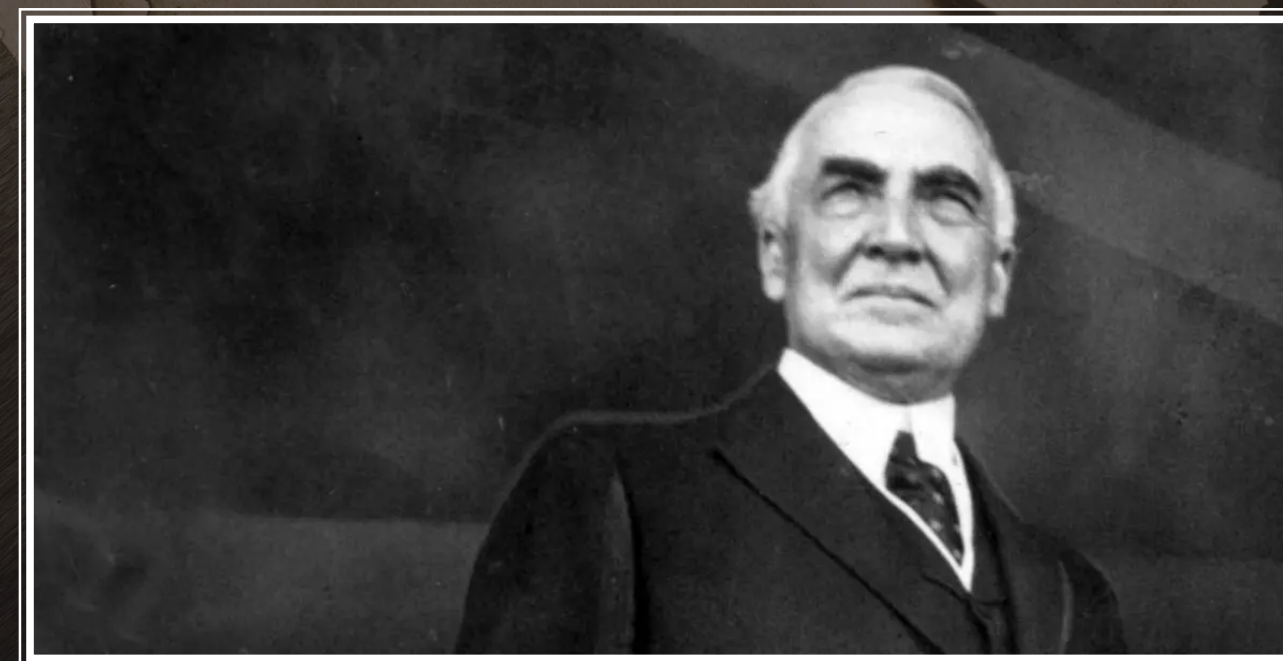
تنش‌های تجاری فعلی شباهت‌های زیادی به دوران اسموت-هاولی دارند، به ویژه در نحوه واکنش شرکای تجاری کلیدی با تهدیدهای تعرفه‌ای تلافی‌جویانه.

برای مثال، نخست‌وزیر کانادا، جاستین ترودو، اعلام کرده است که کشورش تعرفه ۲۵ درصدی بر کالاهای آمریکایی به ارزش حدود ۱۰۷ میلیارد دلار اعمال خواهد کرد، از جمله گوشت، محصولات لبنی، محصولات کشاورزی، نوشیدنی‌های الکلی و مواد غذایی فرآوری‌شده.

به طور مشابه، چین تعرفه‌های ۱۵ درصدی بر واردات زغال‌سنگ و گاز طبیعی مایع از ایالات متحده و تعرفه‌های ۱۰ درصدی بر نفت خام، ماشین‌آلات کشاورزی و انواع خاصی از خودروها اعلام کرده است. "تاثیر اقتصادی این تعرفه‌ها قابل توجه است. بنیاد مالیاتی پیش‌بینی کرده است که تعرفه‌های پیشنهادی بر کانادا، چین و مکزیک می‌توانند تولید ناخالص داخلی ایالات متحده را ۰٫۴ درصد کاهش دهند و حتی قبل از در نظر گرفتن اقدامات تلافی‌جویانه مالیات‌ها بر آمریکایی‌ها را تا ۱٫۱ تریلیون دلار بین سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۳۴ افزایش دهند.

اینکه آیا این درگیری به یک جنگ تجاری کامل تبدیل می‌شود بستگی به واکنش شرکای تجاری ایالات متحده دارد—و اینکه آیا استراتژی ترامپ صرفاً یک تاکتیک مذاکره برای به‌دست آوردن امتیازات است یا نه.

این که تنش‌های فعلی به یک جنگ تجاری تبدیل خواهد شد و تاریخ در ابعاد [] تکرار خواهد شد یا خیر بستگی به واکنش شرکای تجاری آمریکا و/یا اینکه آیا ترامپ در حال بلوف‌زدن است تا امتیازی کسب کند، دارد.



رسالت گروه CyclicalWaves از آغاز به کار (اکتبر ۲۰۱۵) این بوده است که

بکوشیم تا هر آنچه برای تسریع فرآیند ارتقاء عملکرد معاملاتی در بازار فارکس نیاز دارید، در اختیار شما قرار دهیم.

ابزارهای معاملاتی

● Daily Trading Templates (DTT)

- DTT Indicator
- DTT Script
- DTT Expert

● Daily Candlestick Analysis (DCA)

● Triangular Moving Averages (TMA)

● Divergence Triangular Moving Average (DivTMA)

● Trends Screen Scanner (TSS)

● New High New Low Screen (NHNL)

● Divergence Monitor Screen (DMS)

● Average True Range (ATR)

🌐CycFx.com

📷🌐📧cyclicalwaves

دفتر مرکزی: کرج، عظیمیه، بلوار افاقیا، جنب میدان بعثت، ساختمان آرنیا، طبقه ۵، واحد ۱۶



جهش سهام Palantir

خصوصیت ران پل با فدرال رزرو را می‌توان در کتاب مشهورش به نام «به فدرال رزرو پایان دهید» مشاهده کرد.

این کتاب به نقد سیستم فدرال رزرو می‌پردازد و از انحلال آن حمایت می‌کند.

دلایل و انگیزه های این درخواست ران پل به شرح ذیل هستند:

خلاف قانون اساسی

پل استدلال می‌کند که فدرال رزرو خلاف قانون اساسی است زیرا قانون اساسی به کنگره این اختیار را می‌دهد که پول سکه کند و ارزش آن را تنظیم کند، نه اینکه این قدرت را به یک نهاد خصوصی واگذار کند.

زیانبار بودن از دید اقتصادی

او معتقد است که سیاست های فدرال رزرو، مانند دستکاری نرخ بهره و خلق پول منجر به بی ثباتی اقتصادی، تورم، و چرخه های رونق و رکود می‌شود.

تهدید آزادی

پل معتقد است که اقدامات فدرال رزرو با کاهش ارزش پول و اجازه دادن به دولت برای جمع آوری بدهی های بیش از حد، آزادی فردی را از بین می‌برد.

نکات کلیدی کتاب

تاریخچه فدرال رزرو

این کتاب مروری تاریخی بر فدرال رزرو ارائه می‌دهد و استدلال می‌کند که ایجاد آن در سال ۱۹۱۳ نشان دهنده انحراف از اصول مدیریت پول سالم و دولت محدود است.

تورم

پل بخش قابل توجهی از کتاب را به توضیح اینکه چگونه سیاست های پولی فدرال رزرو باعث ایجاد تورم می‌شود، اختصاص می‌دهد که او آن را مالیات پنهانی بر مردم آمریکا می‌داند.

بحران های اقتصادی

او استدلال می‌کند که اقدامات فدرال رزرو عامل اصلی بحران های اقتصادی مختلف در طول تاریخ از جمله رکود بزرگ و بحران مالی ۲۰۰۸ بوده است.

گزینه های جایگزین

پل سیاست های پولی جایگزین را پیشنهاد می‌کند، مانند بازگشت به استاندارد طلا یا سیستم بانکداری آزاد، که به اعتقاد او ثبات اقتصادی و آزادی فردی را ارتقا می‌دهد.



رونق شدید تقاضا برای صنایع دفاعی، حتی شرکت‌های فعال در داده پردازش دفاعی را هم رشد داده است!

قیمت سهام Palantir به بالاترین حد خود رسید، زیرا این شرکت فعال در حوزه تجزیه و تحلیل داده ها، از سودی فراتر از انتظارات ایجاد کرده و تقاضا برای نرم‌افزارهای هوش مصنوعی خود را "رام‌نشدنی" توصیف کرد.

این شرکت در درجه اول بر صنایع دفاعی متمرکز است و از انتخاب آقای ترامپ سود برده است.

الکس کارپ، مدیرعامل، تلاش دولت جدید برای کاهش هزینه ها را به عنوان یک "انقلاب" توصیف کرد که به دلیل تخصصش در زمینه تحلیل کردن اطلاعات به نفع Palantir خواهد بود.

پایان فدرال رزرو؟!



ایلان ماسک پیشنهاد مک کلوم را برای حسابرسی از «فدرال رزرو» توسط «ران پل» پسندیده و تایید کرده است!

این در حالی است که ران پل از دشمنان نهادی فدرال رزرو است و سپردن حسابرسی از

فدرال رزرو به او مانند سپردن گوشت به گربه است!

XAGUSD

نقره در تایم هفتگی روند صعودی کانالیزه‌ای را از خود به نمایش گذاشته است، طبق تحلیل فوق، بدون در نظر گرفتن لیبلینگ و امواج، لگ صعودی دیگری را انتظار داریم، در پی لگ صعودی ذکر شده احتمال ادامه دار بودن موج اصلاحی ۴ بسیار بالا است، خرید نقره در شرایط زیر سرمایه‌گذاری خوبی به شمار می‌رود:

۱- بهترین گپ خرید ۲۷.۷ تا ۲۹.۴

۲- باریسک بالاتری مادامی که زیر سقف مازرو ۳۴ قرار دارد



XAGUSD D

در تایم فریم روزانه انتظار می‌رود نقره پس از فاز صعودی اخیر اصلاح عمیق‌تری را تجربه کند، در صورت وقوع این اصلاح مارکت طی فازهای زیر عمل خواهد کرد:

● ابتدا یک جهش صعودی از اواخر فوریه تا اوایل مارس به سمت سقف

● سپس فاز اصلاحی عمیق‌تر که فرصت خرید به دیدگاه بلند مدت می‌باشد، انتظار می‌رود نقره در طی یک حرکت زمان‌بر و فرسایشی تا اوایل جولای به قیمت‌های حوالی ۲۷ دلار نزدیک شود.



XAUUSD W

اونس جهانی در تایم هفتگی روند صعودی واضحی را به نمایش می‌گذارد، در دیدگاه تحلیلی الیوت، طی چند هفته آتی فرصت‌های خرید مناسب بر معامله‌گران طلا ظاهر خواهند شد، بازه‌ی قیمتی مدنظر ما برای پایان رالی صعودی اخیر و آغاز فاز اصلاحی کوتاه مدت ۲۹۰۰ تا ۳۱۰۰ دلار می‌باشد.

بیشترین میزان اصلاح ممکن را می‌توان خط میدل چنگال رسم شده و به عبارتی حوالی قیمتی ۲۵۵۰ دانست.



XAUUSD

در بررسی تایم روزانه اونس جهانی به دقت شدن در ۵ موجی سبز رنگ («روند صعودی عدد گذاری شده با رنگ سبز») ذکر شده در تایم هفتگی می‌پردازیم، در گام سوم صعودی («موج ۳ سبز رنگ») یک ساختار ایمپالسو صعودی به چشم می‌خورد، این

ساختار به خودی خود از ۵ موجی آبی رنگ نشان شده تشکیل گردیده، موج ۵ آبی رنگ یک موج کشیده شده («اکستند») است، لول‌های قیمتی مدنظر ما برای پایان موج ۵ ام ۲۹۳۰ و ۳۰۱۰ دلار بوده که با باکس قرمز رنگ و در نظر گرفتن تحلیل‌های زمانی در تحلیل قابل رویت می‌باشند.

تحلیل زمانی: از منظر زمانی نیمه دوم فوریه تا اواخر ماه آوریل برآورد مناسبی برای پایان این لگ صعودی طلا می‌باشد.



EURUSD D

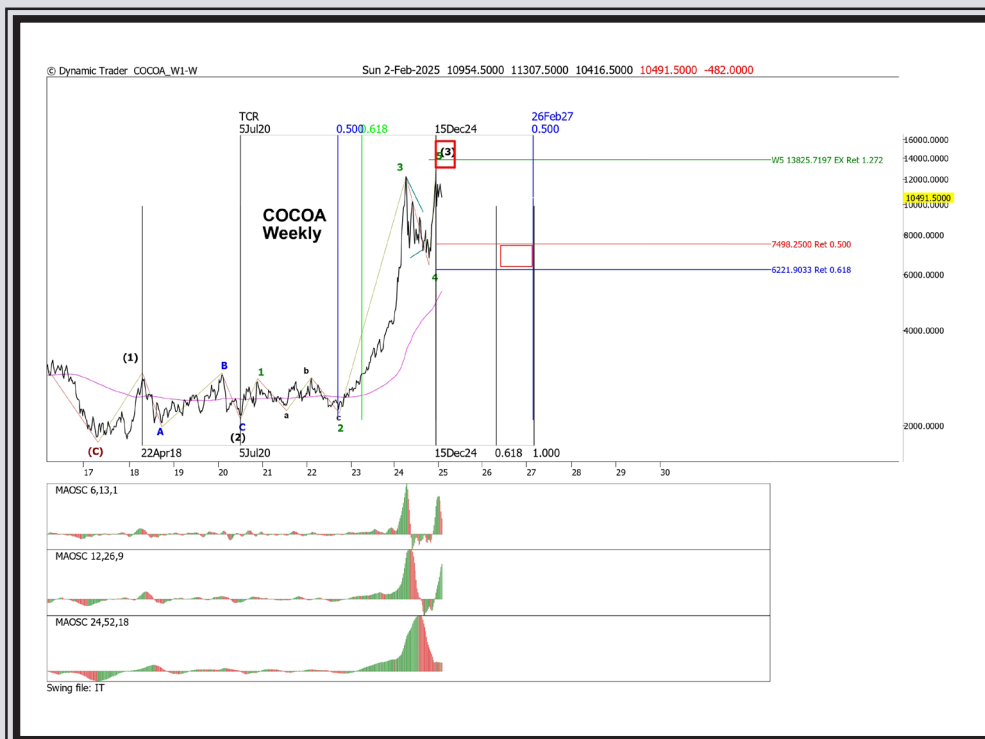
طبق تحلیل‌ها اخیر از ضعف دلار، یکی از کراس‌های مدنظر برای سرمایه‌گذاری مقابل دلار، یورو دلار می‌باشد، یورو در شرایطی است که به دلیل کوچک بودن استاپ‌های تحلیل مبتنی بر خرید، بسیار موقعیت خوبی دارد، به گونه‌ای که معامله گران می‌توانند به صورت گریدی و یا با تعریف پله های خرید، مادامی که نرخ زیر ۱.۰۶ قرار دارد از این فرصت بهره‌مند شوند، لول‌های قیمتی حائز اهمیت:

- ۱.۰۵ به عنوان حد ضرر تحلیل
- ۱.۰۶۴۱ محدوده‌های امن خرید
- ۱.۰۸۴۲ شروع به تسویه معاملات خرید



COCOA W

باکس قرمز رنگ در چارت تحلیلی کاکائو در حوالی ۱۳۸۲۵، محدوده‌ی مناسبی از منظر زمانی و قیمتی برای تسویه معاملات خرید می‌باشد، همچنین معامله‌گران پرریسک، می‌توانند در این محدوده معاملات فروش را شروع کنند، هدف قیمتی این پوزیشن‌های فروش ۷۴۹۸ تا ۶۲۲۱ می‌باشد، این محدوده توسط باکس قرمز کم رنگ در نمودار مشخص شده است. تحلیل زمانی: نظر به رشد سنگین کاکائو در سالیان اخیر، از نظر زمانی، فاز اصلاحی کاکائو آغاز شده و تا اواخر فوریه ۲۰۲۷ ادامه خواهد داشت.



WTI D

همانطور که در تحلیل فوق مشخص است، با بررسی مکرر نفت تحت عنوان یک مثلث اصلاحی صعودی لیبیل گذاری شد، نظر به تحلیل فوق انتظار می‌رود قیمت به سرعت خود را به باکس قرمز زنگ («بازه قیمتی ۶۸ و ۶۷ دلار») رساند؛ در صورت تحقق این روند، با در نظر گرفتن شتاب ریزش منظور، می‌توان انتظار کف‌های جدیدتر در نفت را منطقی دانست.



DXU-USD W

مسیر تبیین شده برای شاخص دلار عیناً به وقوع پیوسته، در تایم فریم هفتگی نابودی دلار و به نوعی شرط‌بندی علیه این ارز در چنین برهه‌ی تاریخی‌ای منطقی‌ترین کار به‌شمار می‌رود، در ابتدا نکات زیر را مدنظر داشته باشید:

- برای معامله‌گران کم ریسک سقف مینور ۱۱۰ استاپ تحلیل فوق به شمار می‌رود.
- معامله‌گران با ریسک پروفایل متفاوت می‌توانند سقف ۱۱۴ دلاری و درواقع سقف مازور شاخص دلار را استاپ تحلیل فوق در نظر بگیرند.



نتظار نزول شاخص دلار با دوشیب متفاوت که خطوط قرمز رنگ آن را نمایش می‌دهد ترسیم شده است، بهترین حالت تحلیل ریزش شدید و حرکت تحت خط قرمز رنگ با شیب تندتر می‌باشد که باکس قرمز رنگ را تشکیل خواهد داد: ریزش تا ۹۳.۵۶ در فاصله‌ی زمانی ۱۸ جولای تا ۷ نوامبر ۲۰۲۵. لول‌های قیمتی حائز اهمیت در این ریزش:

- ۱۰۰
- ۹۷
- ۹۳.۵۶

NIKE W



سهام شرکت نایک در تایم فریم هفتگی پس از یک رالی صعودی و بلند مدت «۵ موجی صعودی» از سال ۲۰۰۹ تا اواخر ۲۰۲۱، وارد فاز اصلاحی بزرگ خود شده است، در طی این اصلاح قیمت بیش از ۶۰ درصد اصلاح را تجربه کرده است.

باکس قرمز رنگ از منظر قیمتی حوال ۶۵ تا ۷۰ دلار را به عنوان فرصت مناسب ورود نمایش داده و از دید زمانی اواخر فوریه، جهت خرید این شرکت زمان مناسبی به شمار می‌رود.

NIKE D

در تایم روزانه خط روند سبز رنگ، حاضر در کف ساختار مثلث، استاپ داینامیک تحلیل می‌باشد، باکس قرمز رنگ بهترین فرصت‌های ورود به سهام نایک را نمایش داده و هدف قیمتی این ورود، حوالی ۱۰۰ دلار «باکس قرمز کمرنگ» خواهد بود.



WHEAT D



ساختار کامپلکس و پیچیده‌ی گندم در تایم روزانه باتوجه تواتر کانالیزه شدن قیمت، و تراکم محدوده‌های اصلاحی به معامله‌گران نقاط ورود مناسبی را نمایش می‌دهد، درواقع چنین شرایطی در بازار کامودیتی سراسر فرصت‌های سرمایه‌گذاری می‌باشد، پیشنهاد می‌شود سقف کانال کوتاه مدت را پایان معاملات خرید خود در نظر بگیرید و مادامی که قیمت بالای ۵۰۶ دلار قرار دارد «باکس قرمز رنگ» از خرید این نماد خودداری بفرمایید، حدود قیمتی باکس قرمز رنگ به حد ضرر تحلیلی کف «(C)» بهترین نواحی خرید بشمار می‌رود.

AMD

شرکت تراشه سازی AMD همواره زیر سایه شرکت NVIDIA رشدهای کوچک اما مناسبه داشته، در نظر بگیرید در سالیان اخیر AMD از رشدهای رالی‌وار نویدیا و این سکتور جامانده است، از اینرو با بررسی صورت‌های مالی این شرکت و تعمیم نسبت‌های مربوطه به کل این صنعت، سهام AMD در موقعیت مناسبی برای خرید قرار دارد؛ در نظر بگیرید متخصصین بازار من جمله ما، در حوالی قیمتی ۱۵۰ دلار انتظار اصلاح تا موقعیت‌های خریدنی نظیر ۱۲۰ دلار را داشته‌ایم، حال از دید تحلیل گران بازار سرمایه، سهام این شرکت در تخفیف «discount» بسیار مناسبی قرار گرفته است.

باکس قیمتی زمانی قرمز رنگ بهترین موقعیت‌های خرید شرکت را نشان می‌دهد، مادامی که قیمت بالای ۸۹ دلار قرار دارد، خرید این سهام برای معامله‌گران بلند مدت سرمایه‌گذاری کم خطری به‌شمار می‌رود.



GBPJPY

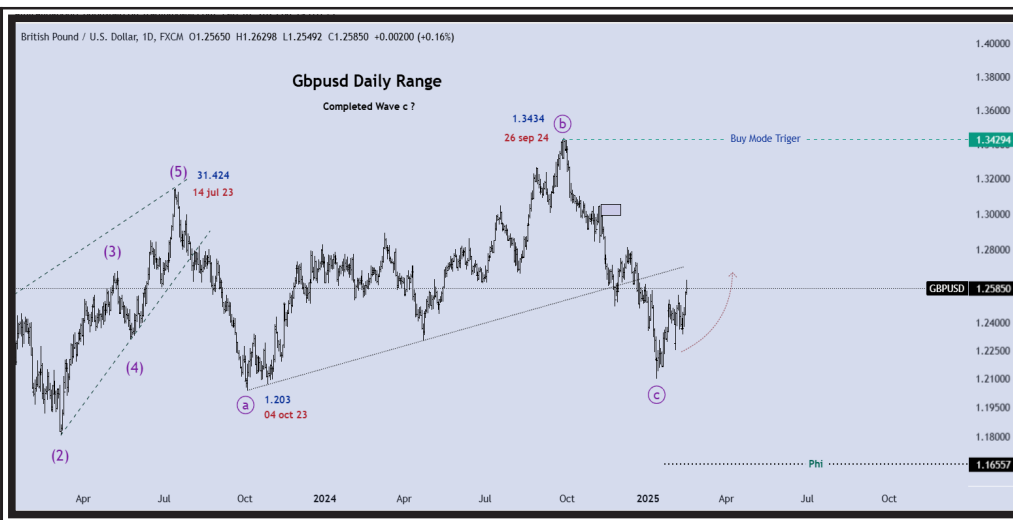
در پوند به ین ژاپن بنظر میرسد پیووت ۱۹۹,۷۹ پیووت ماژور موج B ما باشد ، اما همچنان شانس تشکیل یک سقف دیگر (محدوده ۲۰۲,۶) وجود دارد.

به طور کلی مادامی که سقف ۲۰۸,۱ حفظ شود پوند به ین ژاپن اهداف ۱۷۲,۷ را در سر خواهد داشت.



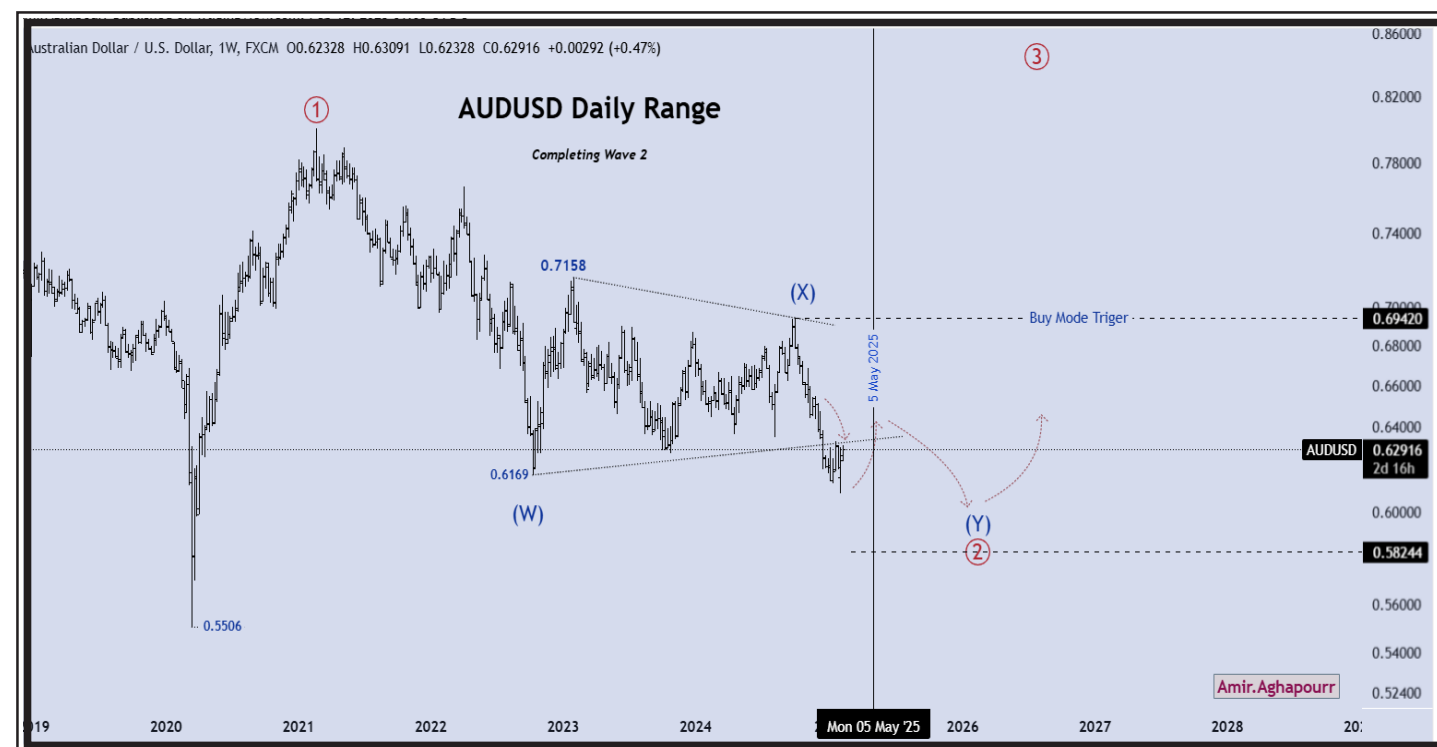
GBPUSD

در پوند انگلستان شاهد ادامه روند نزولی پس از یک اصلاح مینور بودیم در حال حاضر بنظر میرسد پوند پتانسیل رسیدن به نواحی بالاتری را دارد محدوده ۱,۲۶۷۷ در گام اول و ۱,۳۰۳ در گام بعدی اهداف پوند خواهند بود.



ولی باید درنظر داشت پوند برای ادامه مسیر صعودی خود در نهایت نیازمند شکست سقف ۱,۳۴ خواهد بود و مادامی که این شکست اتفاق نیوفتاده هر نوع صعودی اصلاحی تلقی خواهد شد.

AUDUSD



دلار استرالیا به دلار آمریکا در مسیر تکمیلی شاخه نهایی اصلاحی خود قرار گرفته

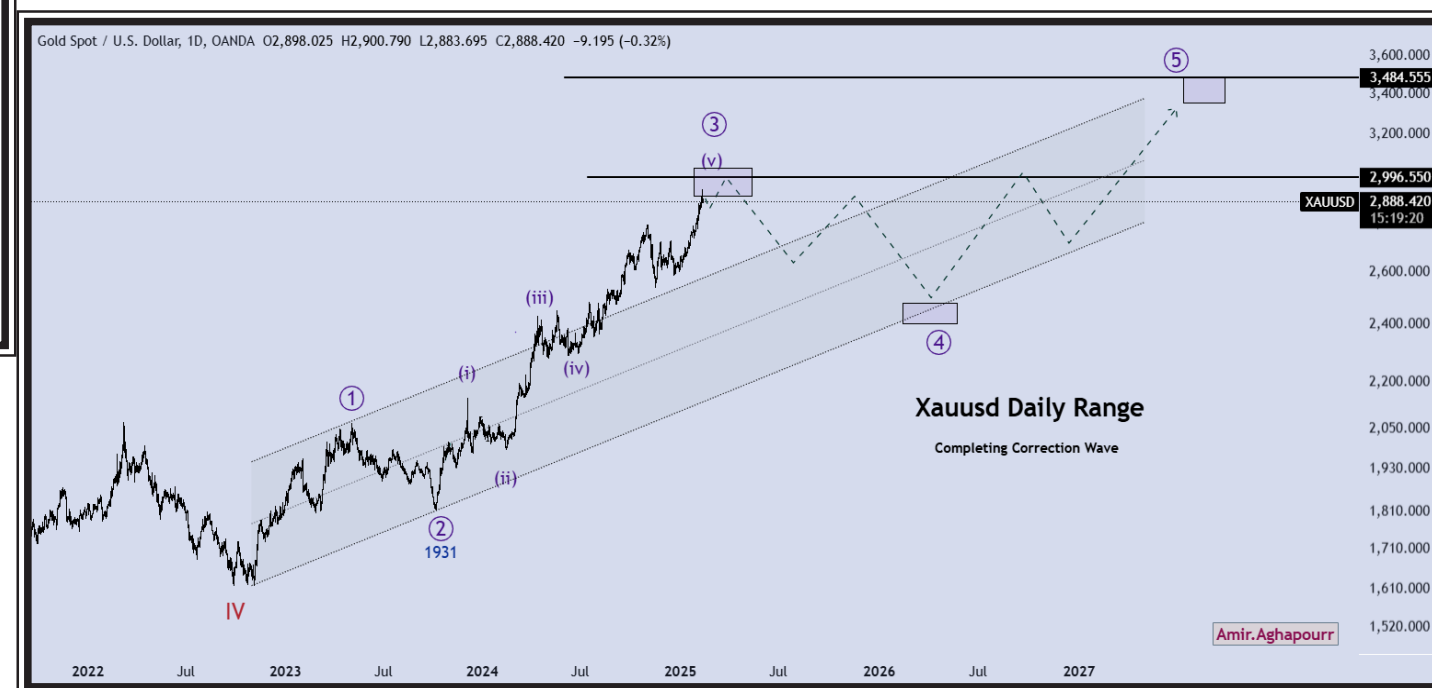
ازی برای تکمیل شاخه ۷ خود پتانسیل رسیدن به محدوده های ۰,۶۰۸ و ۰,۵۸۲ را در گام های بعدی خواهد داشت.

شکست ۰,۶۹۴ به بالا لازمه ی ادامه مسیر صعودی ازی خواهد بود.

XAUUSD

شاهد تحقق تارگت ۲۸۸۷ در طلا بودیم در حال حاضر این صعود قیمتی در قالب موج ۵ از ۳ بزرگ به نواحی حساسی رسیده و پتانسیل تکمیل آن در محدوده ۲۹۶۰ در گام اول و ۲۹۹۶ در گام بعدی را خواهد داشت.

پس از تکمیل این شاخه ، طلا برای هفته ها درگیر اصلاح قیمتی و زمانی خواهد بود.



XAGUSD

در نقره پس از ثبت کف ۲۸,۷۴ در Dec ۱۹ شاهد افزایش تقاضا و صعود قیمتی هستیم اما هنوز زود بنظر میرسد که این کف را کف مازور تلقی کنیم و شانس یک نزول قیمتی دیگر برای این فلز گرانبها وجود دارد.

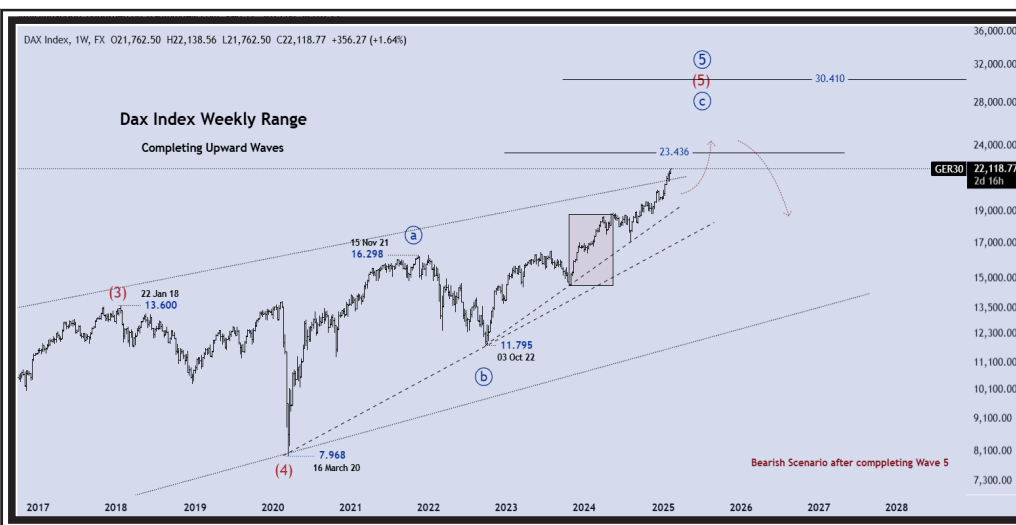
از همین رو روند صعودی را با جوانب احتیاط دنبال خواهیم کرد ، شکست محدوده ۳۴,۸ به بالا تایید کننده صعود قیمتی بیشتر ما خواهد بود.



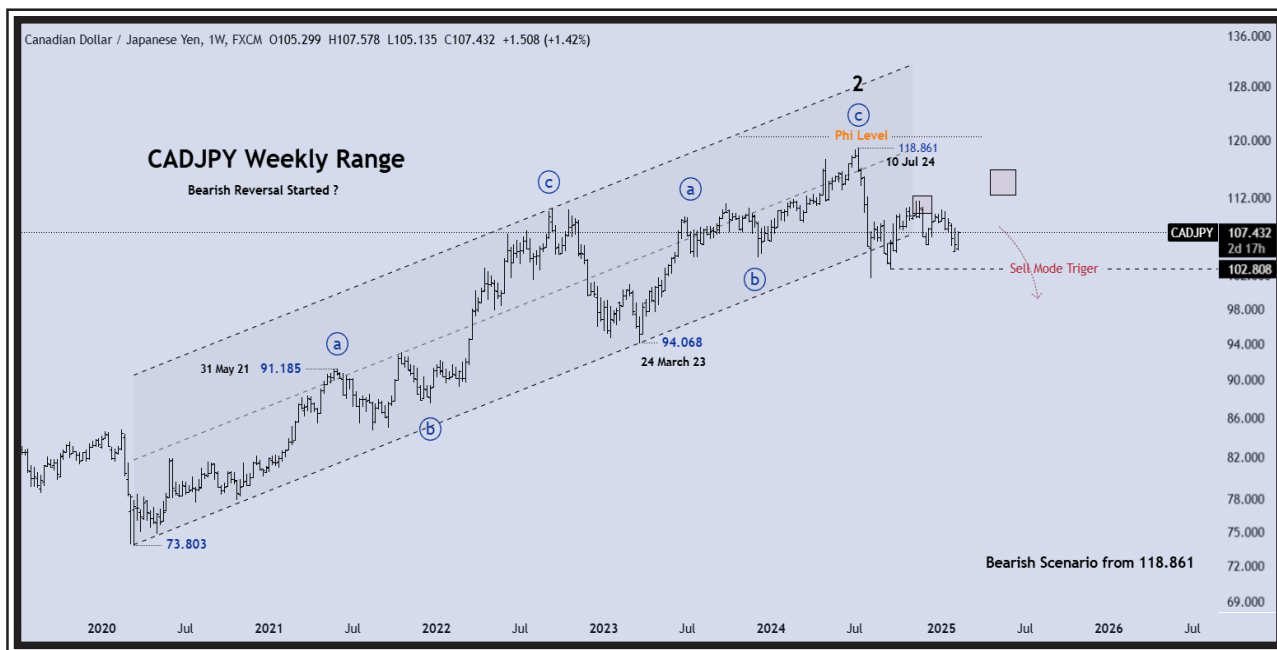
DAX

شاخص دکس آلمان همچنان بر مدار صعود... بنظر میرسد شاخص دکس در حال تکمیل پنجمین موج از این شاخه صعودیست که پتانسیل رسیدن به محدوده ۲۳۴۰۰ را خواهد داشت.

این محدوده یک ناحیه prz تلقی میشود و پتانسیل توقف جریان صعودی قیمت را دارد.



CADJPY

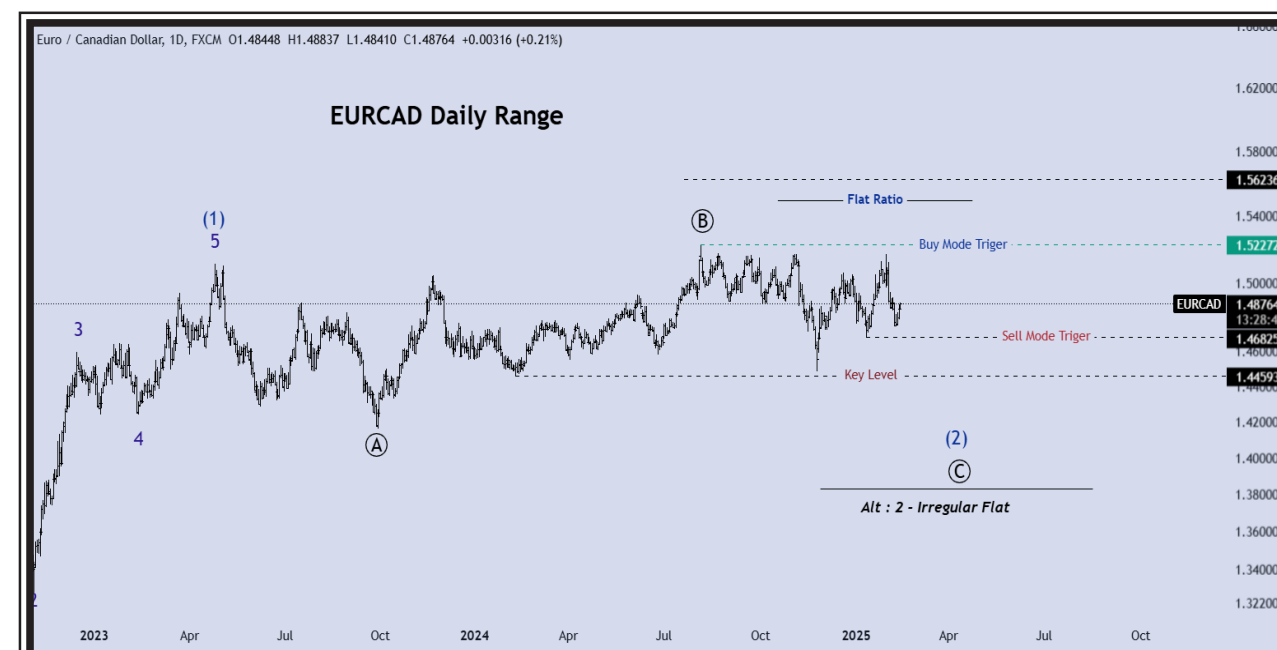


دلار کانادا به بین ژاپن پس از نزول مورد انتظار هم‌اکنون در مسیر صعودی قرار گرفته

این صعود در صورت شکست ۱۱۰,۴ به بالا بیانگر این است که هنوز وارد شاخه سوم مسیر نزولی نشده ایم و رسیدن قیمت به نواحی ۱۱۴,۱ دور از ذهن نیست.

اما در نهایت با شرط حفظ سقف ۱۱۸,۸ میتوانیم انتظار رسیدن قیمت به نواحی ۱۰۱,۷ در گام اول و در گام بعدی ۹۸,۷ را داشته باشیم.

EURCAD



در یورو به دلار کانادا همانطور ک اشاره شد شتاب مد نظر ، شتاب موج ۳ فرضی نبود و شاهد اصلاح قیمتی بیشتری در این کراس بودیم.

حال اما مادامی که ۱,۵۲۲ به بالا شکسته نشده میتوان انتظار داشت قیمت خود را در گام اول به محدوده ۱,۴۴ و پس از آن ۱,۴۲ برساند.

شکست ۱,۵۲۲ به بالا تریگر خرید این کراس تلقی خواهد شد.



WWW.CYCFX.COM



[CYCLICALWAVES](#)



[CWEDU](#)